

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال اول ۹۵-۹۶
رشته فلسفه ورودی مهر ۹۳

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۱۵	مدت: ۷۰ دقیقه
شماره یا نام صحیح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام صحیح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد امتحان:	۳۹۵۱/۰۶
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۰
عنوان:	فلسفه اسلامی ۵
کتاب:	نهایة الحکمة
موضوع:	جلد چهارم: مرحله دوازدهم (ص ۱۲۵۶-۱۰۳۹)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- «برهان حدوث» در چه صورتی تام و نتیجه بخش خواهد بود؟ ص ۱۰۶۳ س ۱

۰/۵

- الف. پذیرفتن جسم به عنوان علت حدوث
- ب. انطباق این برهان بر برهان حرکت
- ج. پذیرفتن حرکت در اجسام
- د. پذیرفتن حرکت جوهری

۲- «بسیط الحقیقة کلّ الأشياء» یعنی چه؟ ص ۱۰۸۳

۰/۵

- الف. خداوند همه اشیاء را به وجود آورده است.
- ب. خداوند کمالات همه موجودات را داراست.
- ج. خداوند از هر نوع ترکیبی عاری است.
- د. خداوند مانند اشیاء ماهیت ندارد.

۳- چرا واجب تعالی، مماثل ندارد؟ ص ۱۱۰۳ س ۳

۰/۵

- الف. خداوند نوع ندارد.
- ب. خداوند کیفیت ندارد.
- ج. خداوند جنس ندارد.
- د. خداوند مضاف نیست.

۴- «عنایت» از مراتب کدامیک از صفات الهی است؟ ص ۱۱۳۷

۰/۵

- الف. قدرت
- ب. خالقیت
- ج. رازقیت
- د. علم

۵- حقیقت «اراده الهی» از نظر علامه طباطبائی (ره) چیست؟ ص ۱۱۶۱

۰/۵

- الف. از صفات ذاتیه ذات اضافه است.
- ب. منتزع از فعل حق تعالی است.
- ج. علم خدا به نظام احسن است.
- د. صفت حقیقیه محضه است.

۶- علامه (ره) چگونه ارتباط متغیر به ثابت را حل می کند؟ ص ۱۲۴۴

۰/۵

- الف. علت تامه نبودن واجب
- ب. وسعت قدرت الهی
- ج. حرکت جوهری
- د. قدم عالم ماده

۷- یک تقریر از برهان صدیقین را بیان کرده و بنویسید چگونه براهین اثبات وجود خداوند با وجود آنکه «ئی» هستند، می توانند مفید

۲

یقین باشند؟ ص ۱۰۴۳ و ۱۰۵۴-۲ نمره

جواب: حقیقت وجود یا واجب الوجود است و یا مستلزم واجب الوجود. در هر دو صورت مطلوب ثابت است. [دو تقریر دیگر در کتاب (۱ نمره) برهان انی به سیر از معلول به علت که یقین آور نیست اختصاص ندارد و منحصر در آن نیست بلکه شامل مواردی نیز است که از لوازم عامه موجودات مطلق به لازم دیگر منتقل شویم و چنین استدلالی هم یقینی است. (۱ نمره)]

۸- نظریه معتزله پیرامون صفات ذاتی واجب تعالی این است که: «کون الفعل الصادر منها فعل من تلبس بالصفة» این نظریه را توضیح

داده و نقد کنید. ص ۱۱۱۴ س ۴ و ص ۱۱۱۹ س ۲-۲ نمره

۲

جواب: معتزله قائلند که معنای اتصاف ذات واجب تعالی به این صفات آن است که فعل صادر از ذات الهی مثل فعل کسی است که واجد آن صفات است. مثلاً عالم بودن واجب تعالی به این معناست که فعل او مثل فعل کسی است که دارای علم است ولی ذاتش خالی از این صفات است. نقد: لازمه این نظریه آن است که ذات واجب تعالی از صفات نیابت می‌کند و ذات او با وجودی که خالق هر کمالی است فاقد این کمالات و صفات است و این هم باطل است.

۲

۹- نظر مشائین درباره «علم تفصیلی خداوند به موجودات قبل از ایجاد» چیست؟ دو نقد بر آن را بنویسید. ص ۱۱۳۳ - ۲ نمره

جواب: مشائین معتقدند واجب تعالی علم حضوری به ذات خود دارد و نیز دارای علم تفصیلی حصولی به اشیاء پیش از ایجاد آنها است و ماهیات اشیاء نزد واجب تعالی با ثبوت ذهنی و بر وجه کلیت، قیام به ذات واجب دارند. بنابر این علم واجب به اشیاء علم عنایی است یعنی حصول علمی شیء مستلزم تحقق عینی آن شیء است. (۱ نمره) نقد: ۱. این نظریه مستلزم خالی بودن ذات واجب از یک نوع کمال علمی است. ۲. محذور ثبوت علم حصولی در موجود مجرد را دارد. ۳. مستلزم آنست که یک وجود ذهنی بدون یک وجود خارجی که با آن سنجیده شود تحقق داشته باشد. (۲ نقد - هر نقد ۰/۵ نمره)

۲

۱۰- دلیل اینکه شر امر عدمی (عدم ذات یا عدم کمال ذات) است، چیست؟ ص ۱۱۹۷ - ۲ نمره

جواب: اگر شر امر وجودی باشد یا شر برای خود است یا شر برای دیگری. اگر شر برای خود باشد مقتضی عدم ذات یا عدم کمالات ذات خود خواهد بود و اصلاً بوجود نخواهد آمد و محال است که یک شیء هم اقتضای کمالات وجودی خود را داشته باشد و هم اقتضای عدم آنها را. اگر شر برای دیگری باشد یعنی یک امر وجودی باشد که ذات یک چیز دیگر را معدوم می‌سازد یا کمالی از کمالات آن را از میان برد در این صورت عدم آن دیگری یا عدم آن کمال شر است نه امر وجودی معدوم‌کننده ذات یا کمال ذات. اگر هم چیزی نه باعث عدم چیز دیگر شود و نه باعث کمال آن اساساً شر شمرده نمی‌شود. پس شر امر عدمی می‌باشد که به معنای عدم ملکه است.

۱۱- به چه دلیل، کثرت افرادی در مجردات راه ندارد؟ در چه صورتی می‌توان این نوع کثرت را در مجردات تصور نمود؟ ص ۱۲۱۴ تا ۱۲۱۷

۲

۲- نمره

جواب: کثرت یا عین ماهیت است. یا جزء ماهیت است و یا خارج از ماهیت است که در این صورت: یا لازمه آن است و یا مفارق با آن. در سه فرض اول، هیچ فردی از ماهیت محقق نخواهد شد. زیرا طبق فرض، هر فرد ماهیت باید کثیر باشد و کثیر نیز از آحاد تشکیل می‌شود و به همین ترتیب تا بی‌نهایت پیش خواهد رفت و هیچ‌گاه فردی از ماهیت محقق نخواهد شد. پس ضرورتاً کثرت باید امری خارج از ماهیت و مفارق با آن باشد اما در مورد اخیر چون عرض مفارق نیازمند ماده است، پس «کثرت» به ماهیت مادی تعلق می‌گیرد. یعنی هر ماهیتی که کثیرالافراد است مادی است و عکس آن: هر ماهیت غیر مادی، کثیرالافراد نیست و نوع آن منحصر در یک فرد است، صادق می‌باشند. (۱/۵ نمره) در صورتی که افراد نوعی مادی مانند انسان، با حرکت جوهری از عالم ماده به عالم تجرد و فعلیت صرف منتقل شوند، کثرت افرادی آنها و تمیز فردیشان استصحاب می‌شود و حکم می‌شود به کثرت آنها در تجردشان. (۰/۵ نمره)

۲

۱۲- نظر علامه (ره) و متکلمین درباره «حدوث زمانی عالم ماده» را بیان کرده، دلیل هر یک را بنویسید. ص ۱۲۵۱ - ۲ نمره

جواب: علامه (ره) و متکلمین قائل به حدوث زمانی عالم ماده هستند [اما هر یک تعبیری خاص از حدوث زمانی ارائه می‌دهند که از دلیشان روشن می‌شود]. (۰/۵ نمره) دلیل علامه (ره): در بحث قوه و فعل اثبات شد که عالم ماده جوهرراً متحرک است و این حرکت ممتد است، [و زمان مقدار این حرکت را تعیین می‌کند] هر قطعه از این حرکت را فرض کنیم فعلیتی است که مسبوق به قوه است یعنی مسبوق به عدم زمانی است پس حادث است و عالم ماده که مجموع این قطعات است چیزی جز این قطعات نیست پس حکم آن حکم اجزا است پس حادث است به حدوث زمانی. (۰/۷۵ نمره) دلیل متکلمین: متکلمین کل ما سوا الله را حادث می‌دانند بالتبع عالم ماده را نیز حادث می‌دانند اما حادث بودن کل عالم ممکنات: وجودات امکانی قدیم زمانی نیستند زیرا در این صورت نیاز به علت ندارند پس از ابتدا منقطع بوده و قبل آن فقط واجب تعالی موجود بوده است [یعنی زمانی بوده که فقط خداوند بوده سپس موجودات را آفریده است] و این معنای حدوث زمانی است. (۰/۷۵ نمره)